

تشیع در ری از آشنایی تا رسمیت یافتن

داود احمدی^۱، زهرا میرزایی^۲

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، پژوهشکده تاریخ علم، دانشگاه تهران، ایران
(Davood.ahmadi@ut.ac.ir)
۲ کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ایران
(Zahra.mirzaei18@yahoo.com)

چکیده

ری از شهرهای مهم ناحیه جبال در نخستین سالهای فتوحات اسلامی به تصرف مسلمانان درآمد و به تدریج مسلمانان در آن اکثریت یافتند و همزمان با پیدایش فرقه های مختلف مذهبی، مردم این شهر نیز به یکی از فرق گرایش پیدا کردند و به سبب نزدیکی به قم و طبرستان، این شهر مورد توجه شیعیان امامی، زیدی و بعدها اسماعیلیان قرار گرفت. در قرن چهارم هجری یکی از شهرهای مهم ناحیه جبال شد که شاخه ای از حکومت آل بویه در آنجا حکومت می کردند. باتوجه به اینکه این شهر در عصر آل بویه، شیعه مذهب و مرکز یکی از شاخه های این حکومت در ناحیه جبال گردید، نوعی فضای باز اجتماعی و سیاسی برای شیعیان ایجاد شد و این دوره خود نقطه عطفی در تاریخ تشیع در این شهر محسوب می شود. چون مذهب تشیع از یک پشتوانه مهمی چون حکومت برخوردار گشت و به نوعی رسمیت و رونق بیشتری پیدا کرد. از این رو هدف نویسنده از نگارش این پژوهش، بررسی تحولاتی است که از زمان آشنایی مردم این شهر با تشیع همراه بوده است. ضمن مشخص کردن مراحل مختلفی که مذهب تشیع تا زمان گسترش، با آن روبه رو بوده است.

واژه های کلیدی: ری، مذهب تشیع، مراحل گسترش تشیع.

Shi'ism in Ray, From familiar to the formalization

Davood, Ahmadi^۱; Zahra, Mirzaei^۲

^۱ Institute for History of Science, University of Tehran, Tehran, Iran

^۲ Theology and Islamic Education College, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Ray, one of the important cities of Jibal region occupied by Muslims in the early victory years. And the number of Muslims got increased gradually. Simultaneity with the birth of different religion sects, the people of Ray followed one of them. And it was noteworthy for Imamiya, Zeidiya, and later Ismaeili because of being in neighborhood of Qom and Tabaristan. And it became one of the important cities of Jibal region in ۴th century where one branch of Buwayhids Reigned there. Considering that the city in the evening Buwayhid, was Shia religion, and the central branch of this government at Jibal region. Created an opening for Shiite social and political and This period is considered as a turning point in of Shi'ism in the city Because of Shi'a religion, was given a like the state support, And somehow gained recognition and flourished. Therefore author's purpose of writing this paper, Survey of developments that have been, the people familiar with the Shiite town. In addition to identifying the various stages of Shi'a religion until its spread and its changes that it has faced in each stage.

Keywords: Ray , Shi'a religion, The spread of Shiism.

۱- مقدمه

در دوره نود ساله حکومت بنی امیه (۴۱-۱۳۲ق) حاکمان همه شهرها به اجبار دارای گرایش های اموی و عثمانی بودند و می کوشیدند تا مردم را براساس باورهای مذهبی خود تربیت کنند. این تبلیغات در ری مؤثر بود، اما در عین حال نباید غفلت کرد که حتی در زمان امویان، کسانی از دوستداران اهل بیت (ع) در این شهر بوده اند (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۳۴۲/۱). از دیگر سو، ری از شمال به طبرستان و از جنوب به قم محدود می شد و به دلیل اینکه آن دو منطقه و به خصوص قم از مناطق شیعه نشین بوده اند، این موضوع می توانست از نظر مذهبی بر ری تأثیر گذاشته باشد. همچنین طبرستان با موقعیت کوهستانی و جنگلی که داشت و نیز تأسیس اولین دولت مستقل شیعی در آنجا به دست حسن بن زید و پس از او ناصر اطروش، خود زمینه ای شد تا سادات و کسانی که پس از شکست قیام ها از برابر عباسیان فرار می کردند در این منطقه گرد هم آیند (حسینیان مقدم، ۱۳۸۴ش، ۲۷۱/۲). زمانی که محمد بن اوس بلخی، کارگزار سلیمان بن طاهر در حق مردم طبرستان ستم می کرد، بزرگان آن دیار دست به دامان محمد بن ابراهیم، یکی از علویان مقیم ری شدند. وی آنان را به سراغ حسن بن زید فرستاد. او دعوت مردم را پذیرفت و سلسله علویان طبرسان را پایه گذاری کرد و در حدود بیست سال بر طبرستان حکم راند و در برخی سالها (۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۸ق) ری را نیز تحت نفوذ موقت خود داشت (مرعشی، ۱۳۶۳ش، ۱۲۹). روند گسترش تشیع در ری را می توان به دو دوره تقسیم کرد: یکی دوره آشنایی مردم ری با تشیع و دیگری دوره نفوذ و گسترش تشیع در ری می باشد.

۲- آشنایی مردم ری با تشیع

۱.۲. نقل فضایل و احادیث ائمه (ع)

پس از پایان حاکمیت امویان و حذف فشار بر محدثان، به تدریج زمینه آشنایی مردم ری با مکتب اهل بیت (ع) فراهم می شود. حتی کسانی از میان محدثان اهل سنت از علاقه مندان به آل محمد (ع) روایاتی در این باب نقل کردند. این افراد از طرف متعصبان، متهم به تشیع می شدند، گرچه به معنای مصطلح، شیعه نبودند (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۳۴۶/۱). به عنوان نمونه؛ منابع رجالی اهل سنت از مردی به نام عبدالله بن عبدالقدوس یاد می کنند که اهل کوفه و در ری ساکن بود. عیسی بن معین او را رافضی دانسته و در عین حال برخی از رجال شناسان سنی او را موثق معرفی کرده اند. از ابن عدی نقل شده که بیشتر آنچه که توسط مردم ری نقل شده است در فضایل ائمه (ع) است (مز، ۱۴۰۲ق، ۲۴۳/۱۵-۲۴۲). ابن اسحاق سیره نويس نیز زمانی به ری آمد و سیره ی خود را بر برخی از عالمان آن شهر قرائت کرد. وی نیز به دلیل نقل احادیثی در فضائل ائمه (ع) متهم به تشیع شد. البته این تشیع، در حد نقل برخی از فضائل آل محمد (ع) بود (آل داود، ۱۳۶۹ش، ۵/۳).

۲.۲. رازیان از اصحاب ائمه (ع)

آنچه که به عنوان تشیع اصیل، در اواخر قرن دوم هجری در ری پدید آمد ارتباط برخی از مردم و ساکنان ری با امامان شیعه بود (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۳۴۷/۱). از قرن دوم تا چهارم هجری، دست کم هشتاد و هشت تن از محدثان و علمای امامی با نام «رازی» شناخته شده اند. این افراد یا اهل ری بوده یا مدتی را ساکن ری بودند و بدین جهت رازی نامیده شده اند (حسینیان مقدم، ۱۳۸۴ش، ۳۲۵/۲).

ارتباط و پیوند اهالی ری با ائمه (ع) که در زمان امام باقر (ع) با وجود یک صحابی از ری ایجاد گردیده بود در سطح وسیع تری ادامه یافت و در زمان امام صادق (ع) تعداد صحابیان اهل ری به ده تن رسید که نشان از نفوذ تشیع در این شهر و پیدایش

زمینه نشر افکار امامی دارد (حاجی تقی، بی تا، ۱۴۹۰). با ورود امام رضا (ع) به ایران و وجود یازده صحابی رازی در میان اصحاب آن حضرت، زمینه مناسبی برای نشر احادیث ایشان در ری فراهم ساخت (عطاردی قوچانی، ۱۳۶۸ش، ۵۲۵/۲-۵۱۵). ارتباط اهل ری با ائمه (ع) در زمان امام هادی (ع) به عمق یافتن اعتقادات شیعیان ری و استواری تشیع امامیه در این شهر انجامید. از میان صحابیان امام هادی (ع)، ده تن رازی بودند که به همراه عبدالعظیم حسنی (ع)، به یازده نفر می رسیدند. در زمان امام حسن عسکری (ع)، تعداد صحابیان رازی امام، به شش نفر رسید. در زمان غیبت صغری امام زمان (عج) نیز دو تن که یکی از وکلای آن حضرت به نام محمد بن جعفر اسدی و دیگری از مکاتبه کنندگان با امام زمان (عج) به نام مخلص بن موسی رازی، ارتباط مستقیمی با ناحیه مقدسه داشته اند (جعفریان، ۱۳۷۵ش، ۲۵۲/۱). در مجموع شهر ری با حدود پنجاه صحابی، بعد از قم که نزدیک به صد و چهل صحابی داشته بالاترین ارتباط و پیوند را با ائمه (ع) در سرزمین های شرقی خلافت دارا بوده است (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۳۲۶/۲).

۳.۲. عبدالعظیم حسنی (ع)

نقطه عطف در تاریخ تشیع ری و عامل تطور اوضاع اجتماعی و فرهنگی شیعه امامیه آن خطه، اقامت عبدالعظیم، از وکلای معتبر و بسیار والامقام امام هادی (ع) در این شهر است. آمدن او به ری هم، نشان از وجود شیعیان در این شهر است و هم زمینه ای برای رشد تشیع و اندیشه شیعی شد (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۴۳۶/۳). حضرت عبدالعظیم معروف به سید الکرم از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) در ۱۷۳ق در مدینه متولد شد. او در دوران امامان هشتم، نهم و دهم از محضر آن بزرگواران کسب فیض نمود و از وکلای امام هادی (ع) در ری بود. وی احادیث فراوانی به ویژه از این سه امام نقل کرده است. کتابهای *اللیله* و *خطب امیر المؤمنین* از تألیفات اوست (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۶۱۴). در نیمه اول قرن سوم هجری به ری آمد و علی رغم محدودیت ها، اصل فعالیت خود را در هویت بخشیدن به شیعیان از طریق نشر احکام، خاصه احادیث اهل بیت (ع) بنا نهاد (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ۴۴۲/۱). وی برای نشر احکام کوشش بسیار کرد و در این راه صدمات زیادی متحمل شد و از بنیانگذاران مکتب حدیثی و روایتی شیعه در ری و اطراف آن بود. از زندگی و حالات وی معلوم می گردد که او در ری مجلس املاء و حدیث داشته و گروهی از شیعیان در مجلس او شرکت کرده و اخبار و روایات او را نقل می کردند (عطاردی قوچانی، ۱۳۷۳ش، ۳۰۶).

۳- نفوذ و گسترش تشیع در ری

۱.۳. امارت احمد بن حسن مادرانی (مادرانی)^۱ (یاقوت، ۱۳۹۹ق، ۳۳/۵-۳۴).

احمد بن حسن مادرانی شیعه مذهب، در ۲۷۵ق ولایت ری را به دست می گیرد و نمایندگان خلیفه عباسی را از آنجا، کرج و قزوین بیرون می کند (یاقوت، ۱۳۹۹ق، ۶۰۳/۲). ری در دوره حکومت او، پناهگاه شیعیان بود. احمد برقی (م ۲۸۰ق) فرزند محمد برقی (صاحب محاسن) که از طرف اهل سنت، از قم رانده می شود به احمد بن حسن پناه می برد. او هم تمام زمینه های مصادره شده برقی را که در کاشان داشت به او باز می گرداند (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ۳۲۲/۲۴). مادرانی پیش از آنکه به حکومت ری برسد، در خدمت کوتکین و فرزندش ساتکین بود. کوتکین، فردی ستمگر بود که به قم، قزوین و ری حمله می کند. در این حوادث مادرانی هم همراه وی بود. در یکی از نبردها که میان وی و محمد بن زید

^۱ - مادرانی یا مادرانی یا مادرانی، منسوب به «مادران» یا «مادرایا» دهی در واسط یا نهروان است که گروهی از دبیران خاندان کلونی مصر از آنجا برخاسته اند.

علوی، حاکم طبرستان رخ داد، محمد شکست خورد و کوتکین هم حکومت ری را بدست می گیرد. همراهی مادرانی با کوتکین در حمله به قم و نیز جنگ با محمد بن زید علوی در ۲۷۲ق مشکلاتی را برای اعتقادات شیعی مادرانی مطرح می کند که در پاسخ، به این گفته محدث ارموی می توان اشاره کرد که وی به دلیل هم مذهب نبودن با کوتکین و ستمگری هایش سر فرصت از وی جدا شده است (برقی، بی تا، مج).

کلینی به نقل از بدر، غلام مادرانی، ماجرای را روایت می کند که مؤید شیعه بودن مادرانی است؛ «وقتی وارد جبل شدم عقیده به امامت نداشتم اما فی الجمله اهل بیت را دوست داشتم، تا آنکه یزید بن عبدالله در گذشت. وی پیش از مرگش به من وصیت کرد تا اسب و شمشیر و کمر بند وی را به مولایش، صاحب الامر (عج) برسانم اما من به دلیل خوفی که از کوتکین داشتم اسب و دیگر وسایل را به وی دادم تا قیمت آن را به مولایش بپردازم. چندی بعد توقیعی از عراق به من رسید که هفتصد دینار ما را بفرست.» (کلینی، بی تا، ۵۲۲/۱).^۱

یاقوت حموی، آغاز تشیع در ری را مربوط به سالهای حاکمیت مادرانی بر ری می داند. او می گوید: مردم ری بر مذهب سنت و جماعت بودند تا اینکه احمد بن حسن مادرانی بر ری غلبه می کند و تشیع را آشکار ساخته و شیعیان را مورد اکرام قرار می دهد. مردم نیز با نوشتن کتابهایی در این باره به وی تقرب می جویند. همچنانکه عبدالرحمن بن ابی حاتم کتاب فضایل اهل بیت (ع) را برای او می نویسد (یاقوت، ۱۳۹۹ق، ۱۲۱/۳). در حالی که می دانیم تشیع قبل از حکومت مادرانی در ری وجود داشته است. اما ولایت وی بر ری نقش مهمی در گسترش تشیع در این منطقه داشته است. شواهد دیگری نیز درباره تشیع مادرانی وجود دارد که بیانگر تشیع وی و حمایت وی از کل شیعیان منطقه جبال است. همانطور که در گزارش یاقوت نیز ذکر شد، علما و محدثان با نگارش کتابهایی در فضایل ائمه (ع) به وی تقرب می جستند. وی از ابن ابی حاتم رازی (۲۴۰-۳۲۷ق) نام برده است که از رجال شناسان معروف اهل سنت بوده و کتابی در فضائل اهل بیت (ع) به منظور تقرب به مادرانی نوشته است (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ۱۵۳/۳ و ۱۵۹).

۲.۳. مهاجرت سادات به ری و منصب نقابت

مهاجرت اعراب به ایران که با فتوحات آغاز شد، در زمان عثمان، خلیفه سوم افزایش یافت. مهاجرت این افراد با هدف فتح مناطق دور دست خلافت و حفظ فتوحات بود. روند مهاجرت در دوره امویان به ویژه از زمان حجاج بن یوسف افزایش یافت. در این میان افراد و قبایلی که به علت اعتقادات و گرایش های شیعی در معرض تهدیدات حکومت بودند در صدد یافتن محلی مناسب برای زندگی یا قیام، به شرق و شمال ایران آمدند. بدین سان مهاجرت شیعیان به ایران و اقامت آنان بین ایرانیان، عاملی بود تا جریان تشیع در این سرزمین گسترش یابد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴ش، ۱۷۸-۱۷۹).

قم، ری، طبرستان و اصفهان از مراکز مهم استقرار علویانی بوده که مهاجرت آنان از اواخر قرن دوم هجری آغاز شده و در قرن سوم رو به گسترش نهاده بود (هاشمی، بی تا، ۱۵). سادات ری، از مناطق مختلفی از جمله مدینه، کوفه، قم، طوس، طبرستان، گرگان، آمل، کلیس (از نواحی رویان طبرستان) و آبه، به آن دیار مهاجرت کرده بودند (حسینیان مقدم، ۱۳۸۴ش، ۲۷۵/۲). مؤلف تاریخ قم تعدادی از این سادات و شیعیان را که به ری و قم آمده و در این شهرها ساکن شدند را نام برده است (قمی، ۱۳۶۱ش، ۲۳۴).

برخی از خاندانهای سادات که به ری آمدند و در آنجا ساکن شدند بدین شرح هستند:

- (۱) سادات خرامابادی: خراماباد یکی از دهکده های ری بوده و این خاندان منسوب به محمد بن یحیی بن احمد بن الحسن الاصغر هستند که در این قریه ساکن بوده اند (بیهقی، ۴۱۰ق، ۲۵۲/۱ و ۲۷۸).
- (۲) سادات صدر زینبی: محلی است که در کنار مدینه بوده و بعدها سادات آن به ری آمده و در اطراف آن ساکن شدند (بیهقی، ۴۱۰ق، ۲۷۶/۱).

^۱ - بدر، راوی رخدادی بوده که برای مادرانی پیش آمده است.

۳) سادات کرکوره: خاندان مشهوری از سادات منسوب به احمد بن محمد بن جعفر بن عبدالرحمن شجری هستند (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ۱/۲۹۱). و نیز سادات لحيانی (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ۱/۲۹۵). سادات بنی میسره الحسنی (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ۱/۲۹۹). و سادات بنی الوارث الحسنی (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ۱/۳۱۳). و سادات عریضیه از فرزندان علی بن محمد بن جعفر از دیگر خاندانهای سادات بودند که وارد ری شدند (قمی، ۱۳۶۱ش، ۳۲۴).

حضور سادات زیدی مذهب در ری و طبرستان و تشکیل حکومت شیعی مادرانی در این منطقه و نیز سازمان نقابت حاکم بر ری و قم و اطراف آن دو عملاً شبکه اتصال تشیع را در حوزه جغرافیایی شرق خلافت عباسی گسترده و نفوذ و تسلط مذهبی خود را تا چند قرن متوالی بر این مناطق تثبیت کرد. این سادات اکثراً از سادات حسنی، حسینی، جعفری و حنفی بودند که اینک مزار آنها زیارتگاه دوستداران اهل بیت (ع) است. این موضوع از عوامل رونق و تثبیت تشیع در این مناطق بوده است (حسینیان مقدم، ۱۳۸۴ش، ۲/۲۸۱). بارگاه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در ری از جمله مهمترین این زیارتگاهها است. سکونت تعداد زیادی از سادات و شیعیان در ری، وجود منصب نقابت را در این شهر ضروری می کرد.

همانطور که می دانیم آل بویه شیعه مذهب بودند و گرایش زیادی به امامی مذهب داشتند و شیعه امامی بیش از هر گروه دیگری از آزادی و تساهلی که در این دوره وجود داشت بهره برد. عملکرد آل بویه در زمینه منصب نقابت و به طور کلی در گرایش به امامیان اگر هم سیاستی به حساب آید، اقدامی بود که در سازمان بندی اجتماعی شیعه بسیار اثر داشت.

با روی کار آمدن آل بویه منصب نقابت از حالت موروثی خارج شد. از این زمان به بعد بویهیان، نقیب شیعیان را از میان علویان با نفوذ که بسیار هم مورد احترام بودند، انتخاب می کردند و هر شهری که تعداد علویان آن زیاد بود و امکان جعل نسب، در آنجا می رفت نقیبی برایشان بر می گزیدند. یکی از شهرهای مهم شیعه مذهب این دوره ری بود.

هر شهری، سلسله نسب سادات ساکن آنجا را در دفتری فراهم می آورد که به آن «جریده» می گفتند. گاه نقیب، یکی از نسب شناسان آنجا را مأمور این کار می کرد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ۵/۹۷). یکی از مهمترین این جریده ها «جریده الری» تألیف سید ابوالعباس احمد بن مانکدیم^۱ (منتجب الدین بابویه، ۱۴۰۴ق، ۴۱۸-۴۱۷) بن علی بن محمد است که برای معرفی انساب سادات ری از منابع موثق، گردآوری شده است و بسیاری از نسب شناسان، از جمله؛ ابو عبدالله بن طباطبای و ابن مهنا عبیدلی، بر آن اعتماد کرده اند (ابن طباطبای، ۱۳۷۲ش، ۲۳۷).

از میان نقیبان ری می توان به ابوالمقاتل دیلمی اشاره کرد که از اصحاب امام هادی (ع) به شمار می آید (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۹۸). بسیاری از نقیبان که از خاندان آل مطهر (نقبای قم، ری، مازندران و جبال) بودند، «المرتضی» خوانده می شدند (خالقی، ۱۳۸۷ش، ۱۵۶). نمونه آن سید اجل ذوالفخرین، ابوالحسن مطهر بن علی (ملقب به مرتضی) است که نقیب سادات ری و قم و سرآمد همه علمای بزرگ دوره خود بود و در کنار علم و سیادت، دارای ثروت فراوانی نیز بود (منتجب الدین بابویه، ۱۴۰۴ق، ۴۴۹).

۴- نتیجه

یکی از شهرهای شیعه نشین این دوره، ری است. ری در حرکت کاروان اندیشه شیعی سهم به سزایی داشته که سبب آن، وجود شمار بسیاری از علما و محدثان در آن است. در قرن دوم هجری صحابیان ائمه (ع) در این شهر حضور داشتند چنانکه در کتاب *مهاجران آل ابی طالب*، از مهاجرت و اسکان شصت و پنج تن از سادات و علویان در ری یاد شده است. ضمن اینکه در این منطقه فرقه های مختلف مذهبی و فکری و اعتقادی می زیستند که حضورشان در این منطقه، موجب نشاط علمی حوزه ری گشته بود.

^۱ - مانکدیم: محدث ارموی در توضیح این کلمه از علامه قزوینی چنین نقل می کند؛ این نام از دو کلمه "مانک" یعنی ماه "دیم" یعنی رو، به معنای ماه رو، از القاب فارسی قدیم است که امروزه به کار برده نمی شود.

بزرگترین محدثان و فقهای امامیه پس از غیبت کبرا (۳۲۹ق) تا نیمه اول قرن پنجم هجری در قم و ری می زیستند و کتب حدیثی مهمی تألیف کردند. علمایی چون؛ کلینی (م ۳۲۸ق)، علی بن حسین بن بابویه (م ۳۲۹ق)، ابن قولویه (م ۳۶۹ق) و شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) از جمله عالمانی هستند که تلاش های علمی بسیاری در این دو شهر انجام دادند.

ری از زمان آشنایی مردم آن با تشیع یعنی از زمان اصحاب ائمه تا زمان رسمیت یافتن آن در دوره آل بویه، مراحل را پشت سر گذاشت که نتیجه آن گسترش تشیع در سه نوع، امامیه و زیدیه و اسماعیلیه بود و یکی از شهرهای مهم شیعه نشین گشت که در دوره های بعد مثل دوره سلاجقه، در آن شهر، شیعیان دارای مدارس شیعی متعدد و صاحب مناصب سیاسی بودند.

۵- مراجع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۴۰۳ق)؛ *الذریعه الی تصانیف شیعه*، بیروت، دارالاضواء.
۲. آل داود، علی ابن اسحاق، (۱۳۶۹ش)؛ *دایرة المعارف بزرگ اسلامی (جلد سوم)*، زیر نظر کاظم بروجردی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳. ابن طباطبائی، ابراهیم بن ناصر، (۱۳۷۲ش)؛ *مهاجران آل ابی طالب*، ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد، (بی تا)، *مقدمه المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۵. بیهقی، ابوالحسن علی بن ابوالقاسم بن زید؛ (۱۹۶۳م)، *تممه صوان الحکمه*، تصحیح محمد شفیع، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی.
۶. ترکمنی آذر، پروین، (۱۳۸۴ش)، " *فعالیت های سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران* "، مجله شیعه شناسی، شماره ۱۲.
۷. جعفریان، رسول، (۱۳۷۵ش)؛ *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری*، قم، انصاریان.
۸. -----، (۱۳۷۱ش)؛ *تاریخ گسترش تشیع در ری*، تهران، آستان حضرت عبدالعظیم (ع).
۹. حاجی تقی، محمد؛ " *محدثان و علمای امامی ری تا پایان قرن چهارم هجری* "، مجله علوم حدیث، شماره ۱۲.
۱۰. حسینیان مقدم، حسین و دیگران، (۱۳۸۴ش)؛ *تاریخ تشیع*، تهران، سمت.
۱۱. خالقی، محمد هادی، (۱۳۸۷ش)، *دیوان نقابت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۸ق)؛ *التدوین فی اخبار قزوین*، تحقیق عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالکتب علمیه.
۱۳. عطاردی قوچانی، عزیزالله؛ *عبدالعظیم حسنی، حیات و مسنده*، تهران، عطارد، ۱۳۷۳ش.
۱۴. عطاردی قوچانی، عزیزالله، (۱۳۶۸ش)، *مسند امام رضا (ع)*، کنگره جهانی امام رضا (ع)، تهران، کتابخانه صدر.
۱۵. قمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۱ش)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن عبدالملک قمی، تصحیح جلال الدین تهرانی، تهران، توس.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، *کافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مرعشی، سید ظهیرالدین، (۱۳۶۳ش)؛ *تاریخ طبرستان*، رویان، مازندران، به اهتمام برنارد دارن، تهران، گسترده.
۱۸. مزی، ابو الحجاج یوسف، (۱۴۰۲ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق عواد معروف، بیروت، دار الفکر.
۱۹. منتجب الدین بابویه، علی بن عبیدالله بن بابویه، (۱۴۰۴ق)، *فهرست اسماء شیعه و مصنفیه*، تصحیح عبدالعزیز طباطبائی، تهران، مکتبه المرتضویه.
۲۰. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، (۱۴۰۷ق)، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، موسسه نشر الاسلامی.
۲۱. نوری طبرسی، حسین بن محمد نقی، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*، بیروت، داراحیاء التراث.
۲۲. هاشمی، محمد قاسم، " *سادات مهاجر به منطقه ری بزرگ و برخی دلایل هجرتها* "، مجله میراث جاویدان، شماره ۵۵.
۲۳. یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله بن عبدالله، (۱۳۹۹ق)؛ *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.